

Research Article

A Comparative Study of Semantic Abnormality in the Poems of Zhaleh Esfahani and Ghada Al- Samman

Zeinab Khatiri¹, Seyed Fazlullah Razavipour^{2*}, Arash Mushfeghi³

Abstract

Abnormality is one of the literary theories and one of the most effective methods in literary highlighting that has a lot of feedback in the field of poetry. Formalist theory holds that man is always associated with two kinds of language. The first is ordinary language, which conveys everyday messages, and literary language, which is used in the realm of art and literature and has its own delicacy. De-familiarization always establishes literary pleasures for the audience and improves the power of the human senses. The present study intends to deal with the category of semantic aberration and its different types with descriptive-analytical methods and relying on the poems of zhaleh Esfahani and Ghada Al-Samman and to answer the question of what semantic aberration is. And how is the bedrock of this norm used in the poems of zhaleh Esfahani and Ghada Al-Samman despite the commonalities and differences? Findings of the research through library search show that zhaleh Esfahani and Ghada Al-Samman have both benefited from imaginary forms and spiritual arrays.

Keywords: Semantic Abnormality, Poetry, Metaphor, Ghada Al-Samman

1. PhD student of Persian language and literature, Islamic Azad University, Bonab branch, Bonab, Iran
2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Bonab Branch, Bonab, Iran

Correspondence Author: Seyed Fazlullah Razavipour

Email: dr.razavipoor58@gmail.com

DOI: 10.30495/CLQ.2022.679121

مطالعه تطبیقی هنجار گریزی معنایی در اشعار ژاله اصفهانی و غادة السّمان

زینب خطیری^۱، سید فضل الله رضوی پور^{۲*}، آرش مشفق^۳

چکیده

هنجار گریزی یکی از نظریه‌های ادبی و تأثیرگذارترین روش‌ها در برجسته‌سازی ادبی می‌باشد که در عرصه شعر بازخورد زیادی دارد. نظریه فرمالیست‌ها بر این باور است که انسان همواره با دو نوع زبان در ارتباط است. اولی زبان عادی که انتقال‌دهنده پیام‌های روزمره است و زبان ادبی که در قلمرو هنر و ادبیات استعمال می‌شود و ظرافت خاص خود را دارد. آشنایی‌زدایی همواره لذت‌های ادبی را برای مخاطب برقرار می‌سازد و قدرت حواس آدمی را بهبود می‌بخشد. پژوهش حاضر در نظر دارد با شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی و تکیه بر اشعار ژاله اصفهانی و غادة السّمان به مقوله هنجار گریزی معنایی و گونه‌های مختلف آن بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که هنجار گریزی معنایی چیست و حوزه‌های بسترساز این اشعار در اشعار ژاله اصفهانی و غادة السّمان علیرغم وجوه اشتراک و افتراق چگونه به کار رفته است؟ یافته‌های پژوهش از راه جستجوی کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که ژاله اصفهانی و غادة السّمان هر دو از صور خیال و آرایه‌های معنوی بهره‌مند گردیده‌اند.

واژگان کلیدی: هنجار گریزی، شعر، استعاره، غادة السّمان

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران

ایمیل: dr.razavipoor58@gmail.com

نویسنده مسئول: سید فضل الله رضوی پور

۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی بارونق گرفتن نقد ادبی شکل گرفته و همواره چشم‌اندازی میان بررسی راجع به هر اثر ادبی با هدف کشف ارتباط در دیگر عناصر شکل‌دهنده‌ی یک فرهنگ بوده است. شعر کهن‌ترین گونه‌ی ادبی، زیباترین اتفاق حاصل از زبان و برجسته‌ترین هنر کلامی می‌باشد و یک شاعر وقتی شعرش در جامعه رواج می‌یابد که در کنار داشتن حالات روحی و احساسات عمیق خود با فکر آن را بسراید، در این صورت است که شعر وی می‌تواند جزوی از پشتوانه فرهنگی یک ملت شود. تحول شعر عرب پس از دوران رمانتیسیم آغاز گردید و بزرگ‌ترین وجه تمایز شعر عرب در نوع تصاویر و زبان شعری است که به کار می‌برند. حال آنکه تحول در شعر معاصر فارسی از زمان مشروطیت آغاز گردید و با نیما به اوج خود رسید. شعر یک نوع روایت درونی می‌باشد که با انواع صنایع ادبی آراستگی خاص و زیبایی را به خود گرفته است.

کشف ادبیّت متن حاضر در یک زبان از دیگر متن‌هایی که ارزش ادبی ندارد وظیفه یک منتقد است. در ایران دکتر شفیعی کدکنی یکی از برجسته‌ترین افرادی هستند که به بررسی صورت‌گرایانه ادبیات پرداخته است. فرمالیسم جریان فرهنگی بشر میان ادبیات ملت‌های گوناگون و نظریه‌های ادبی موجود مابین دنیای کهن و دنیای نو در قرن بیستم می‌باشد که هدف‌های ساختاری یک متن خاص را مورد بررسی قرار می‌دهد. یکی از روش‌های فرمالیست‌ها برای رسیدن به ادبیّت متن، بیان نظریه‌ی هنجار گریزی (deviation) است که نیما آن را در ساختار کلاسیک شعر ایران به اوج رساند. در پژوهش حاضر تلاش گردیده تا با روشی توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای به مطالعه تطبیقی هنجار گریزی معنایی در اشعار ژاله اصفهانی و غاده السّمان پرداخته شود.

زنان همواره در طول تاریخ مورد ستم قرار گرفته‌اند حال آنکه زن معجزه آفرینش است چرا که زن تنها موجودی است که می‌تواند با یک دست گهواره و با دست دیگر دنیا را تکان دهد. نقش زنان به‌عنوان آفریننده شعر در ادبیات هرچند کم‌رنگ است اما زنان شاعری هم چون ژاله اصفهانی و غاده السّمان نیز هستند که تنها با سرودن یک بیت که بازتابی از احساسات و نیازهای بشر بوده، ماندگار شده‌اند. شاعران زن بر اساس مضامین شعرهای خود به دو دسته هستند: در ابتدا آن‌هایی که مخاطب درون‌مایه‌ی اشعارشان، عامه‌ی انسان‌ها هستند و دسته‌ی دیگر آن‌هایی که مضامین اشعارشان از داشتن مخاطب مرد خالی از تصور نیست.

ژاله اصفهانی (نام اصلی: اتل سلطانی) با خلق مضامین متنوعی در زمینه‌ی پایداری به شاعر امید معروف شده است. وی سخنوری پرمایه و توانا می‌باشد که شعرهای بسیاری از سوز دل دارد و بعد از پروین اعتصامی دومین شاعره‌ای هست که اشعار سروده شده‌اش در دوران دبیرستان را به چاپ رسانده است. شعر ژاله وابسته به مکتب سخن است. از مختصات برجسته شعر وی پرهیز از پیچیدگی فلسفی و اندیشگی در شعر می‌باشد. در واقع می‌توان گفت بیشتر اشعار وی گونه‌ای از شعر اخباری را به خود اختصاص داده است. غالب‌ترین مضامین شعری وی غم دوری از یار و دیار است چراکه در سال ۱۳۲۵ به سبب قیدوبندهای سیاسی ناگزیر به مهاجرت اجباری به خارج از ایران می‌گردد. ژاله اصفهانی از شاعران آزادی‌خواه معاصر کلامی سرشار از امید و آرزو دارد و شعرش بازتابی از عناصر اجتماعی و سیاسی می‌باشد. غاده السّمان (نام به عربی: غاده أحمد السّمان) نویسنده و روزنامه‌نگار زن اهل سوریه و یکی از بنیان‌گذاران شعر نو در ادبیات عرب است. شهرت عمده‌ی غاده السّمان

بیشتر در نویسندگی وی است، اما چند مجموعه شعری نیز از ایشان چاپ شده است. وی از شاعران روشن‌فکر عرب بوده و اشعارش سرشار از غافلگیری است. موضوع جنسیت در آثار وی یکی از تم‌های اصلی است که در سبک روایی داستان‌های وی از جنبه دراماتیکی شخصیت‌ها قرار گرفته است. از مجموعه اشعار غاده می‌توان به «زنی عاشق در میان دوات»، «غم‌نامه‌ای برای یاسمن‌ها»، «ابدیت لحظه عشق» و... اشاره کرد. اندیشه‌ی غاده نشأت گرفته از تفکرات مکتب اگزیستانسیالیستی می‌باشد. این مکتب مرگ را بخشی از زندگی می‌داند که با آن زندگی معنا پیدا می‌کند. پژوهش حاضر در پی آن است تا انواع شکرده‌های هنجار‌گریزی را که این دو شاعره در آفرینش اشعار خود به کار برده اند تحلیل نماید.

تبیین و ارزیابی شعر *ژاله اصفهانی* از این‌رو حائز اهمیت می‌باشد که وی همواره با حضوری فعال در عرصه ادبی، گرایش به جامعه، تلاش در گسترده نگری به موضوع مقاومت و احیای هویت اجتماعی زن، عرصه را برای تحلیل بدعت هنری خود در زمینه هنجار‌گریزی باز کرده است. همین‌طور مضامین اصلی شعر غاده در شکل‌های مختلف جلوه‌گری می‌کند و با ویژگی‌ها و حتی با جزئیات توصیفی ترسیم می‌شود. به عبارتی با بررسی تطبیقی اشعار *ژاله اصفهانی* و *غاده السّمان* (شاعره‌هایی از دو ملیت مختلف) می‌توان شعر زن ایرانی با زن عرب را مورد تطبیق قرار داد و در نهایت اشتراکات فرهنگی دو ملیت را به دست آورد.

۱- زبان شعری ژاله اصفهانی و غاده چگونه بود؟

۲- آیا این دو شاعر در اشعار خود از نکات بلاغی بکار گرفته اند؟

۲. پرسش پژوهش

در ایران پس از انتشار کتاب دوجلدی کورش صفوی (۱۳۷۳ و ۱۳۹۰) که موضوع هنجار‌گریزی را در چارچوب الگوی «لیچ» بررسی کرد، آثار متعددی در خصوص هنجار‌گریزی در اشعار این دو شاعره نوشته شده که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. از جمله:

۱. «بررسی تطبیقی هنجار‌گریزی محتوایی در اشعار سیمین بهبهانی و غاده السّمان»، لعبت بیژنی فر، ۱۳۹۵. در این مقاله سعی بر آن بوده است که از گذر نقد اجتماعی و شیوه توصیفی - تحلیلی با تکیه بر اشعار این دو شاعر از چشم‌اندازی دورتر به مقوله هنجار‌گریزی و گونه‌های مختلف آن پرداخته شود.

۲. «بررسی فرا هنجاری معنایی در اشعار غاده السّمان»، دکتر ناهید دهقانی، ۱۳۹۳. در این مقاله گونه‌های مختلف فرا هنجاری معنایی در چهار منظومه غاده السّمان و حوزه‌های بستر ساز فرا هنجاری‌های معنایی بررسی شده است.

۳. «عصیان و هنجار‌گریزی در شعر فروغ فرخزاد و غاده السّمان»، فریده داودی مقدم، ۱۳۹۵. در این مقاله به شیوه‌ی تحلیل محتوای مضمون، به تفسیر و تبیین و تطبیق برخی مؤلفه‌های شاخص در شعر فروغ فرخزاد و غاده السّمان پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو با زبانی زنانه و نمادپردازی‌های شاعرانه، بسیاری از سنت‌های خرافی و کلیشه‌های رایج روزگار خویش را به چالش می‌کشند.

۴. «بررسی جلوه‌ها و نمادهای پایداری در شعر ژاله اصفهانی»، رحمت‌الله قاسمی سپاس، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۴؛ در پژوهش صورت پذیرفته جلوه‌ها و نمادهای پایداری در شعر ژاله اصفهانی مورد بررسی و توصیف قرار گرفته است.

۵. «بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های شعر بشری بستانی و ژاله اصفهانی در دو بعد سیاسی و اجتماعی»، علی باقر طاهری نیا، پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل، ۱۳۹۸؛ در این پژوهش درون‌مایه‌های شعری این دو شاعر از بعد سیاسی و اجتماعی مورد تطبیق و بررسی قرار گرفته است.

اما تاکنون اثر مستقلی با موضوع «مطالعه تطبیقی هنجار گریزی معنایی در اشعار ژاله اصفهانی و غادة السَّمان» دیده نشده است. فلذا به جهت جایگاه ویژه‌ی هنجار گریزی معنایی در آثار این دو شاعر انجام چنین پژوهشی ضرورت دارد.

۳. آشنایی‌زدایی

اساس نظریه ادبی در آثار چهره‌های شاخص مکتب فرمالیسم همچون شک洛夫سکی (V. shklovsky)، موکارفسکی (J. Mukarovsky) و هاورانک (B. Havranek) بر پایه‌ی مفاهیمی نظیر آشنایی‌زدایی یا بیگانه سازی (Defamiliarization) و برجسته‌سازی (Foregrounding) زبان پایه‌گذاری شده است. فرمالیست‌ها برای رسیدن به ادبیت متن، نظریاتی همچون آشنایی‌زدایی و هنجار گریزی را بیان کرده‌اند. آشنایی‌زدایی در ادبیات معمولاً از طریق هنجار گریزی در کلام صورت می‌گیرد. مهم‌ترین مفهوم بحث فرمالیست‌ها، آشنایی‌زدایی بوده و آشنایی‌زدایی یکی از شگردهایی هست که شعر را ابهام‌آمیز می‌کند تا خواننده برای درک معنی آن خود را به تکاپو بیندازد و درنهایت با درک معنی آن لذت ببرد.

آشنایی‌زدایی ذهن را از عادت دور می‌کند و دو نوع است: الف) جایگزینی (از تعبیرات مجازی) که محور اصلی‌اش استعاره است؛ ب) ترکیب یا ساختاری که دو محور اصلی آن واژگان و نحو است و بیشتر در تقدیم و تأخیر و حذف و اضافه و... نمود پیدا می‌کند.

هدف آشنایی‌زدایی در شعر آن است که خواننده و شنونده را به اوج لذت برساند و به همین منظور نیز زبان را در هم می‌ریزد طوری که کلمات در معنای معمولی خود به کار نمی‌روند بلکه در زبان شعر به کار می‌روند.

۴. برجسته‌سازی

یکی از اشکال آشنایی‌زدایی برجسته‌سازی است و آن زمانی تحقق می‌یابد که هنجار گریزی بیانگر مفهومی باشد یعنی نقش بپذیرد. «برجسته‌سازی مفهومی سودمند و حیاتی در سبک‌شناسی است و پلی میان عینیت نسبی توصیف زبان‌شناختی و ذهنیت نسبی داوری ادبی برقرار می‌کند. این مفهوم معیاری است که به کمک آن می‌توان از میان توده‌های از اجزاء زبانی، ویژگی‌هایی را برگزید که در مورد تأثیر ادبی موضوعیت دارند.» (ریما مکاریک، ۱۳۸۴: ۶۱). فرمالیست‌های روس، فرآیند برجسته‌سازی را به دو نوع هنجار گریزی و قاعده افزایی تقسیم کرده‌اند.

۱.۴. هنجار گریزی

یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش سبک ادبی هنجار گریزی است. «هنجار گریزی در کل انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار است؛ هرچند منظور از آن هرگونه انحراف از قواعد زبان هنجار نیست، زیرا گروهی از این انحرافات تنها به ساختی غیردستوری منجر می‌شود و خلاقیت هنری به شمار نخواهد رفت.» (صفوی، ۱۳۹۰: الف: ۵۰).

یکی از هنجارگریزی، هنجارگریزی در نحو یا ساختار دستوری است. در هر زبانی از لحاظ صرفی و نحوی قواعد خاص حاکم است که عدول از آن، با رعایت اصول جمال شناسیک و رسانگی باعث برجسته سازی می‌شود. (گرجیان و عباس زاده، ۱۳۹۹: ۴۰)

جفری ریچ بنیان‌گذار سبک‌شناسی انگلیسی در کتاب خود تحت عنوان «راهنمای زبان‌شناختی شعر انگلیسی» پدیده‌ی هنجار گریزی‌ها در شعر را به هشت نوع تقسیم کرده که عبارت‌اند از: «هنجار گریزی واژگانی (lexical deviation) - هنجار گریزی نحوی (grammatical deviation) - هنجار گریزی واجی (phonological deviation) - هنجار گریزی نوشتاری (graphological deviation) - هنجار گریزی معنایی (semantic deviation) - هنجار گریزی گویشی (dialectal deviation) - هنجار گریزی سبکی (deviation of register) و هنجار گریزی زمانی (deviation of historical period)» (لیچ، ۱۹۶۹: ۵۱-۴۲). هنجار گریزی یکی از ارکان اصلی مکتب فرمالیسم می‌باشد که از بُعد زبانی شعر تا بُعد معنایی را شامل می‌شوند.

۲.۴. قاعده افزایی

اعمال قواعدی اضافی بر قواعد زبان هنجار برای برجسته‌سازی متن ادبی را قاعده افزایی می‌گویند که در معنی دخالتی ندارد و در سه سطح آوایی و واژگانی و نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از شیوه‌های آشنایی‌زدایی در مکتب فرمالیسم روس، قاعده افزایی می‌باشد که در حوزه بدیع لفظی صورت می‌پذیرد. قاعده افزایی به یک اثر ادبی شکل می‌دهد. بهره‌گیری شاعر از قاعده افزایی در اشعارش نشان از توانایی وی در برجسته‌سازی زبان است. «بین هنجار گریزی با قاعده افزایی، از لحاظ ماهیت فرق وجود دارد؛ نتیجه‌ی هنجار گریزی‌ها شعر است و نتیجه‌ی قاعده افزایی‌ها، توازن و نظم» (بارانی، ۱۳۸۲: ۶۳).

۵. هنجار گریزی معنایی (مخالف خوانی)

انعطاف‌پذیرترین بخش زبان معنی است. معناشناسی یا معنی‌شناسی (Semantics) معادل انگلیسی و فرانسوی (Sémanétique) برگرفته از لغت یونانی (Semantika) علم مطالعه معنا می‌باشد. هنجار گریزی معنایی یکی از بخش‌های محتوایی هنجار گریزی است که بخشی از آرایه‌های ادبی را در بر می‌گیرد. «هنجار گریزی معنایی، یعنی تخطی معیارهای معنایی تعیین‌کننده‌ی آوایی واژگان؛ به عبارت دیگر، تخطی از مشخصه‌های معنایی حاکم بر کارکرد واژگان در زبان معیار یا به عبارت دیگر، در نقش ارجاعی زبان» (سجودی،

۱۳۸۷: ۲۳). ژاله اصفهانی نیز مانند تمام شاعران دیگر برای خیال‌انگیز بودن اشعار خود از عواملی چون تشبیه، استعاره، کنایه و... بهره برده است.

۱.۵. تشبیه

«تمام تصاویر به‌نوعی با تشبیه مرتبط بوده و آشکارا یا نهان از آن مایه می‌گیرند.» (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۱۱۸). تشبیه اولین عامل تصویر آفرین در مباحث بیانی و مهم‌ترین ابزار زیبایی کلام است. «تشبیه آن است که به این چیز، معنایی از معانی یا حکمی از احکام آن را اثبات کنی» (عبدالقاهر جرجانی، ۱۳۷۰: ۴۹). شعر ژاله شعری اخباری است لذا از میان شیوه‌های تصویرسازی در شعر تا حدودی نسبی از تشبیه استفاده کرده تا نشان دهد که وی در اعماق ذهن خود از گونه‌ی تصویری شعر نیز بهره برده است و یکی از مهم‌ترین عناصر خیال‌انگیز در اشعار غادة السَّمان تشبیه است و وی تشبیهات بی‌سابقه‌ای در مضمون مسائل پیرامون جامعه دارد. مانند:

هرچند شرح و تفصیل انواع تشبیهات در این مجال مقدور نیست، ولی به چند نمونه از تشبیهات این دو شاعر اشاره می‌شود:

۱.۵.۱. طبیعت

با واکاوی و تعمق در اشعار این دو شاعر می‌توان دریافت که هر دو شاعر برای بیان حال خود از تصاویر تشبیهی استفاده کرده‌اند. مانند:

- «آنگاه که درباره‌ی تو می‌نویسم/ از بوم به هزارستان بدل می‌شوم/ و آنگاه که مرا می‌ستایی/ در آینه به طاووسی مانده‌ام/ و آنگاه که نسیم نفس‌هایت/ از فراسوی گفتگو می‌وزد/ چون پرستویی مشتاق/ به سوی تو صف می‌زنم/ و چون به من خیانت می‌کنی/ سر در ریگ فراموشی می‌سپارم/ چونان شترمرغ ساده دل/ و آنگاه که با من می‌ستیزی/ به خفاشی بدل می‌شوم...» (السَّمان، ۱۳۸۳، د: بی جا).

غادة السَّمان در بیشتر مواقع برای بیان حال و احساس خود از تصاویر تشبیهی استعمال می‌کند که در این شعر خود را به پرندگان تشبیه کرده است؛

- «یک دل دردانه دارم ژاله، پر مهر و وفا/ بسپر دست که من این گوهر نایاب را؟» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۲).

ژاله تشبیه مضمرا را به زیبایی در این بیت به‌کار برده و دل پر از مهر و وفا را به گوهر نایاب مانند کرده است.

- «آرزو آبی خروشان، زندگی بحری عمیق» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۲).

ژاله در این شعر با تشبیه بلیغ اضافی آرزو در آدمی را به آبی پر جوش و خروش و زندگی را به خاطر پستی و بلندهایش به دریایی عمیق تشبیه می‌کند.

۱.۵.۲. عشق

عشق از بن‌مایه‌های پرسامد ادبیات فارسی و عرب است.

- «أَمْشِي فِي زَحَامِ الْغُرَبَاءِ وَ أَفْرَاحِهِمْ/ وَلَا أَعْرِفُ أَحَدًا... مِثْلُ مَعْطَفٍ/ يَدُسُّونَهُ فِي خَزَائِنِ مَطْعَمِ مُرْدَحِمٍ وَلَا يَعْرِفُ جِيرَانَهُ.../ هَا أَنَا وَحِيدَةٌ وَ مَهْجُورَةٌ/ مِثْلُ حَبَّةٍ فَسْتَقَى مَنَسِيَّةً/ فِي قَاعِ خَابِيَةِ كَبِيرَةٍ مَوْجِبَةً اسْمَهَا بَارِيسُ.../ أَيُّهَا الْبَعِيدُ اللَّامِنْسِيُّ/ بَارِيسُ هِيَ الرَّبْعُ الْخَالِي... مِنْ حَبِّكَ! وَ أَرَاكَ تَحْتَالُ يَهْدُوهُ مَا بَيْنَ سَوَادِهَا وَ جَفْنِهَا...»

(السَّمَان، ۱۹۹۸: ۱۳۱): در میان ازدحام و شادی‌های غریبه‌ها، قدم می‌زنم درحالی که هیچ‌کس را نمی‌شناسم...، همچون پالتویی که آن را در گنجی رستورانی شلوغ جا داده‌اند، درحالی که همسایه‌هایش را نمی‌شناسد! آنک من تنها و مهجور، مانند دانی پسته‌ای فراموش شده در ژرفای سبویی بزرگ و برجا مانده به نام پاریس... ای مسافر دور از وطنی که فراموش نشده‌ای، سرزمین پاریس، از عشق تو تهی است...، تو را می‌بینم که آرام میان مردمک چشم و پلک‌هایم می‌خرامی...؛
غاده در این شعر از عشقی صادقانه توأم با حسرت و از غربت و تنهایی خود در شهر مدرنی مانند پاریس یاد می‌کند.

- «می‌روم، می‌روم به راه سفر/ گر بگیرد کسی سراغ ام راه/ گو به او، مرغ عاشق شب زاد/ نیست در آشیان خود دیگر.» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۳۴).
ژاله در این شعر خود را چون مرغ عاشقی تشبیه می‌کند که علی‌رغم عشق به وطن مجبور به مهاجرت از وطن می‌شود.

۱.۵.۲. جنگ

- «برق خاموش است/ و چراغ‌ها در هم شکسته‌اند/ چو نان چشمانی برکنده/ ورشته سیم‌ها بر کف خیابانها کشیده شده است/ آسفالت را حفره حفره کرده است: انفجار بمب‌ها/ و توپ‌های کالیبر ۱۲ و ۱۵۵/ و خمپاره‌های ۷۵ و ۸۲...» (السَّمَان، ۱۳۸۷، ب: ۲۰). در اینجا چراغ‌های شکسته شده به چشمانی از حدقه بیرون آمده تشبیه شده است. بن‌مایه جنگ در اشعار غاده بینش و نگرش وی به خاطر حضور در دنیای واقعی جنگ را نشان می‌دهد.

وی در جایی دیگر آورده است: «آری جنگ است/ و نور ماه، پرده‌ای را ماند خوفناک/ که بر محتضران فرو افتاده.» (همان: ۲۲).

حال آنکه ژاله با پایداری و استقامت در شرایط بد سیاسی و اجتماعی جامعه، به جنگ اشاره دارد و آن را این‌گونه به تصویر می‌کشد که: «شدیم مشعل سوزنده، تا نپندارند، / چو برق شعله کشیدیم و ناپدید شدیم، / چو آن ستاره که لرزید تا سپیده‌ی صبح/ شب سیاه به سر برده، روسفید شدیم.» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۵۳۸).

۲.۵. استعاره

استعاره از مصدر باب استفعال عبارت از آن است که یکی از دو طرف تشبیه ذکر و دیگری اراده شود. «استعاره عبارت است از آرایه‌ای که به سخن والایی و شکوه می‌بخشد یا یک نوع خروج از زبان هنجار است.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۲۴).

ژاله در شعر «آری هرگز ندید روی سعادت/ آن‌که پریشان‌دل از قضا و قدر شد» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۲۳)؛ اضافه استعاری را به کار برده است. در اینجا سعادت را به انسانی تشبیه کرده که «روی» داشته باشد و «روی» را که از ویژگی‌های مشبیه است به «سعادت» اضافه کرده است.

و از همین نوع هست: «داس انتقامت تشنه‌ی خون بود» (همان: ۲۳۴)؛ داس انتقام را به انسانی تشبیه کرده که «تشنه‌ی خون» است و «تشنه‌ی خون» که از ویژگی‌های مشبیه است به «داس انتقام» اضافه کرده است.

در زبان‌شناسی اصطلاحی به کار می‌رود که به فهمیدن یک حوزه مفهومی بر اساس حوزه مفهومی دیگر اشاره دارد و آن عبارت از استعاره مفهومی است. استعاره‌های غاده السّمان بیشتر استعاره‌هایی از نوع مفهومی می‌باشد. وی در شعر: «ترانی شَرَرَ بلا زیتو لَاقْتیلِ، لَهَبه مُحرقه بلا صَوء. أَفَفُ عَلی الأطلالِ کَمَا فَعَلْتُ مُنذَ قُرُونِ، وَأَتَلو «دیوان الحماسه» وَأترَحَمُ عَلی أجدادی، وَ سَجَادَةُ الارضِ تَتَم سَرَقَتِ هَامِنِ تَحْتِ أقدامی وَ أَنَا أَنشد: «أمجاد یاعرب أمجاد...» (السّمان، بی تا: ۱۶۶): آتشی می‌نمایند بی فتیله و روغن، شعله‌اش بی نور سوزان است. روی آثار باقی مانده گذشتگان می‌ایستم، کاری است که قرن‌ها می‌کنم و دیوان حماسه را می‌خوانم و بر اجدادم رحمت می‌فرستم، حال آنکه خاک وطنم را از زیر پایم می‌زدند و می‌سرایم: «چه بزرگی هاست نو را ای عرب چه بزرگی‌ها...» زن را نور می‌داند که تعبیری مفهومی دارد و همچنین «آلت سرگرمی، اسیر و مایه ننگ بودن» را برای زن و «ظالم، اسارت‌گر، سنگ و آسمان بودن» را هم برای مرد در استعاره‌ای مفهومی به کار برده است. غاده به یاری استعاره‌های مفهومی تصویر زن را از شعر معاصر می‌زاید

۲.۵.۱. تشخیص

جان‌بخشی یا شخصیت بخشی یا انسان‌مداری یکی از صورت‌های خیال است که ژاله اصفهانی و غاده السّمان برای روح بخشیدن به اشعار خود از آن بهره می‌گیرند. «مسأله شخصیت بخشیدن و حیات و جنبش دادن به اشیاء و عناصر طبیعت چیزی است که نمونه‌های آن را در شعر بسیاری از شاعران می‌توان یافت امام توانایی شاعران در این راه یکسان نیست.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

ژاله با آوردن «فریاد توفان» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۱۷۹)؛ «خنده‌ی فیروزه‌ها، رقص طلاها» (همان: ۲۲۴)؛ مشبه و مشبه‌به دور از ذهنی به کار برده که تشخیص (Personification) نامیده می‌شود که در بطن خود نوعی استعاره کنایی است.

استعمال تشخیص در اشعار غاده السّمان بسامد بالایی نسبت به تشخیص در اشعار ژاله اصفهانی دارد. مانند:

- «هنگامی که عاشق می‌شویم، انتظار، بر پیش‌خوان قهوه‌خانه پارس می‌کند.» (غاده السّمان، ۱۳۸۳: ۴۹)؛
 - «هر شب در رؤیا می‌بینم/ که بیروت بر صخره‌ی انتحار ایستاده است/ و نیمه‌شب در دل تاریکی/ به‌سوی دریا می‌پرد تا بمیرد.» (همان: ۶۸).

۲.۵.۲. حس آمیزی (Synesthesia)

مسأله حس آمیزی و آمیختگی حواس یکی از مباحث بدیع معنوی و از شگردهای تصویرسازی است. آمیختن دو یا چند حس در کلام را حس آمیزی می‌گویند.

این آرایه در اشعار ژاله بسامد کمتری دارد ولی برای نمونه به یک مورد از شعر «ماه گرفت» اشاره می‌شود؛
 - «در انتظاری تشنه سوزد چشم‌هایم/ می‌دانی اکنون/ اهل کجاییم؟» (همان: ۵۸). در این بیت حس چشایی و لامسه آمیخته می‌شوند.

آرایه‌ی حس آمیزی در اشعار غاده السّمان بسامد بالایی ندارد. فلذا برای نمونه می‌توان به نمونه‌هایی از گونه‌های حس آمیزی در اشعار وی اشاره کرد. مانند: آغشته بودن انگشت به تاریخ در شعر ذیل که برجسته سخن وی را به تصویر می‌کشد.

- «بر خاطر من گذر نمی‌کرد/ روزگاری به گور کنی یونانی عشق بورزم/ که انگشتانش به خاک و تاریخ/ آغشته است» و آماسیده و بی‌طعم بودن حروف در شعر «هان اینحروف من است.../ که درون قفس های روزمرگی پنهان می‌شود/ بر آماسیده، بی طعم/ و زنگار گرفته در زیر هجوم مگس های بیهوده گویی...»
غاده در اشعار خود آمیختگی حواس چندگانه زیبایی هم دارد. برای مثال: «بیهطل موسیقی بیضاء: آهنگی سپید می بارد» (السَّمَان، ۱۹۹۹: ۱۰۹).

۳.۵. متناقض نما (پارادوکس)

متناقض نما یکی از شیوه‌های آشنایی‌زدایی و زیبایی‌آفرینی زبانی و در عین حال از ترفندهای برجسته‌سازی است که با گره زدن دو امر ضدونقیض کنار یکدیگر شکل می‌گیرد. آرایه متناقض نما علاوه بر خلق زیبایی، سبب آشکار شدن سبک ادبی و فردی یک شاعر می‌شود. «حاکمیت متناقض نما ناشی از پشتوانه‌های عظیم عاطفی، دینی، اخلاقی، سیاسی و تاریخی است؛ به دلیل اینکه همه، عناصر تناقض‌نمایی را در خود دارند.» (میویک، ۱۹۸۷: ۶۶).

در اشعار ژاله، این عنصر نسبت به سایر عناصر بدیعی بسیار کمتر بوده است؛ لیکن در ذیل به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:

- «فریاد بی صدا، / مانند سیل، سد دل ام را شکافته.» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

غاده السَّمَان نیز مانند ژاله از این عنصر خیلی کم استفاده کرده است برای نمونه می‌توان به این شعر از او اشاره کرد:

- «و مرگ با لیلی در بیشه‌ی بحبور می‌رقصد/ و مرگ انتحار می‌کند و دیگر نمی‌میرد.» (غاده السَّمَان، ۱۳۸۳: ۱۵)؛ در واقع مضامین «رقص مرگ با لیلی» و «انتحار کردن مرگ» دور از ذهن آدمیست که غاده با ذهنی خیال‌انگیز به زیبایی این تکرار را شکسته است؛
و در جای دیگر آورده است: «من تسلیم می‌شوم/ تا با تو به ستاره‌ای در گنبد آسمان/ سقوط کنم.» (همان: ۵۲) در اینجا وی با آوردن مضمون «سقوط به ستاره» کلیشه‌ی تکرار را در ذهن خواننده شکسته است.

۴.۵. کنایه

کنایه یکی از چهار مبحث علم بیان توسط ادبای قدیم است «هر کلمه که معنی آن پوشیده و دانستنش محتاج قرینه باشد آن را کنایه گویند.» (پنج استاد، ۱۳۶۶: ۷۱).

کنایه در اشعار ژاله بسامد کمتری دارد. در شعر «...مرد بهت‌زده خود را کنار کشید. / کز کرد. / در خود فرو رفت. / رنگ از سوختگی صورت اش پرید...» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۴۲۷)؛ «رنگ از سوختگی صورتش پرید» از نوع ایماء کنایه از پریشان شدن است.

و یا در این شعر «... چه شد که روی نمودید بر دیار دگر/ چه شد که از چمن آشنا سفر کردید...» (همان: ۴۷)؛ «روی بر دیار دیگر نهادن» از نوع ایماء کنایه از «قصد سفر داشتن» است.

غاده کتاب خود به نام «ابدیت لحظه‌ی عشق» را به «الریاح: بادها» در کنایه از زنان هدیه کرده و تشنه‌ی آزادی و زبان زنان صامت مشرق زمین است چرا که از تبعیض و ستم در خصوص زنان دل وی را به تنگ آمده است.

«من در جستجوی زنی هستم/ چونان من / تنها و دردناک/ تا دست در دستش نهم/ ما هر دو تنها زاییده می‌شویم/ بر خارزارها/ و کودکان قبیله را به دنیا می‌آوریم/ کودکانی که به زودی/ تحقیر ما را به آنان خواهند آموخت» (السَّمان، ۱۳۷۷: ۶۵).

این شعر غاده کنایه از جامعه‌ی مردسالار و باورهای غلط و خرافه‌های عرب‌ها در خصوص سنت‌های مهجور عرب است. تا جایی که شاعر تحمل این تبعیض و بی‌عدالتی را نیاورده و با سرودن این شعر درصدد رفع مظلومیت زنان مشرق زمین، دست به سنت‌شکنی زده است.

۵.۵. ایهام

ایهام یکی از زیباترین آرایه‌های شعری و واژه‌های با دو معنای دور و نزدیک است. شاعر در شعر خود هر دو معنی دور و نزدیک را اراده می‌کند و اولین مفهومی که از واژه درک می‌شود منظور شاعر نیست. درواقع شاعر برای تأثیرگذاری کلام از آرایه ایهام استفاده می‌کند.

مثالی از زاله در مجموعه اشعارش: «ستاره‌ای که درخشید در شب تاریک/ ستاره‌ای که شکفت/ ستاره‌ای که سحر را به چشم خویش ندید/ ستاره‌ای که هزاران فسانه‌ی غم را/ به گوش شعرش گفت/ ستاره‌ای که دمید/ در آسمان هنر/ شکافت سینه‌ی «دیوار» ظلم و ظلمت را/ «اسیر» بود و ره چاره جست و «عصیان» کرد/ رها شود ز اسارت اسیر عصیانگر/ چو او که یافت در عصیان «تولد دیگری»... چه زود رفت خدایا، «فروغ» خوب نکرد/ ستاره بود و نهان شد، ولی غروب نکرد.» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۱۷۳).

ژاله در شعر فوق، کلمات «دیوار، اسیر، عصیان، تولدی دیگر» را با آوردن واژه‌ی «فروغ» تناسب کرده است و چون این کلمات خود معنای دیگری را هم در شعر دارند درواقع نوعی ایهام تناسب صورت گرفته است. شعرهای غاده همواره با داشتن درون‌مایه‌ای زنانه در ایهام پیچیده بوده و یکی از دلایل گستردگی خوانندگان وی به خاطر استفاده از ایهام در اشعارش است و این پیچیدگی نیز می‌تواند به جهت تفاوت فرهنگی وی با ژاله باشد.

۶.۵. مجاز

مجاز مهم‌ترین مبحث علم بیان و زیرساخت استعاره است که در زندگی روزمره نیز کاربرد دارد. اهمیت آن در گستردگی است چرا که به‌وسیله‌ی آن گوینده کلامش را می‌آراید و خواننده ظرافت‌های زبانی وی را درمی‌یابد.

ژاله در استعمال مجاز بسامد کمتری نسبت به تشبیه دارد. برای نمونه این بند از شعر ژاله که در آن مجاز از نوع علاقه خاص و اراده عام صورت گرفته است. «بپرسید از رافایل/ از پیکاسو،/ یا که از رنگین‌کمان بپرسید،/ میان رنگ‌ها/ رنگی بود آیا/ که سازد جلوه‌گر رنگ نقش بزرگ روح انسان را» (اصفهانی، ۱۳۸۴: ۱۷۳). غاده نیز میانه‌ی چندان خوبی به مجاز از خود نشان نمی‌دهد. برای مثال در شعر: «من نافرمانم / بر دیکتاتوری که دستار اعتراض بر سر دارد / و جلادی که برای آزادی سخنرانی می‌کند، در حالی که در پی فرصتی است تا آزادی را / بر برباید و ترور کند» (السَّمان، ۱۳۸۷: ۵۹)؛ با ذکر واژه‌های «دیکتاتور» و «جلاد» درواقع علاقه‌ی خاصیت را به کار برده است. چرا که وی از روشنفکرانی که جدا از سخنان فریبنده، تعهد فداکارانه خود را در رهایی زن عرب از یاد برده‌اند، انتقاد می‌کند.

وی در جای دیگر آورده است: «آسفالت را حفره حفره کرده است: انفجار بمب‌ها/ و توپ‌های کالیبر ۱۲۰ و ۱۵۵/ و خمپاره‌های ۷۵ و ۸۲...» (السَّمَان، ۱۳۸۷: ۲۰)؛ که استعمال واژه‌های «توپ‌های کالیبر ۱۲۰ و ۱۵۵» و «خمپاره‌های ۷۵ و ۸۲» علاقه خاصیت از وی را به نمایش می‌گذارد.

نتیجه گیری

هر دو شاعر شاعری روایی هستند. زبان شعری ژاله ساده و درعین حال بی‌تکلف و ذهن وی همواره درگیر تربیت سیاسی می‌باشد. شعر غاده شعری ساده، به دور از هر نوع پیچیدگی، بیانگر مشکلات به‌روز جهان عرب در سال‌های جنگ است. اجبار به مهاجرت و دوری از وطن در زندگی شخصی هر دو شاعر موجب شکل‌گیری نوستالژی در شعر آن‌ها بوده و باعث توصیف غم و غربت و دل‌تنگی در ایشان شده است. تصاویر انسانی و طبیعی در اشعار هر دو شاعر زمینه اصلی هنجار‌گریزی معنایی را تشکیل می‌دهد. غاده السَّمَان در هر شعر ویژگی‌ای را برای زنی قائل است و هر شعر بر محوریت شخصیت‌پردازی همین نام می‌گردد. پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که هر دو شاعره برای منعکس کردن افکار خود طیف گسترده‌ای از جلوه‌های مختلف پیرامون زندگی‌شان مانند عشق، طبیعت و جنگ را با مهارتی غیرقابل وصف به نمایش گذاشته‌اند. غاده و ژاله از به کار بردن استعاره در اشعار خود بی‌بهره نبوده‌اند حال آنکه بیشتر استعاره‌های غاده از نوع مفهومی بود و کنایه در اشعار ژاله نسبت به اشعار غاده بسامد کمتری دارد.

منابع

- اصفهان‌ی، ژاله. ۱۳۸۴ ش. مجموعه اشعار. چ ۱. تهران: انتشارات نگاه.
- بارانی، محمد. ۱۳۸۲ ش. «کارکرد ادبی زبان و گونه‌های آن». مجله‌ی فرهنگ. شماره ۴۶- ۴۷، صص ۵۵-۷۰.
- پور نامداریان، تقی. ۱۳۸۱ ش. سفر در مه. چ ۱. تهران: نگاه.
- ریما مکاریک، ایرنا. ۱۳۸۴ ش. دانش‌نامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه‌ی مه‌رمان مهاجر و محمد نبوی. چ ۱. تهران: نشر آگه.
- سجودی، فرزانه. ۱۳۸۷ ش. نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: علم.
- السَّمَان، غاده ۱۳۷۷ ش. غم‌نامه‌ای برای یاسمن‌ها، ترجمه: عبدالحسین فرزاد، تهران: چشمه.
- السَّمَان، غاده ۱۳۸۳ ش. ابدیت، لحظه عشق، ترجمه‌ی عبدالحسین فرزاد، تهران: چشمه.
- السَّمَان، غاده ۱۳۸۷ ش. غم‌نامه‌ای برای یاسمن‌ها، ترجمه‌ی عبدالحسین فرزاد، تهران: چشمه.
- السَّمَان، غاده ۱۹۹۸ ق. الحب من الوريد، الطبعة العاشرة، منشورات غاده السَّمَان، بیروت.
- السَّمَان، غاده ۱۹۹۹ ق. عاشقة فی محبرة، الطبعة الثانیة، بیروت: منشورات غاده السَّمَان
- شفیعی کدکنی، دکتر محمدرضا. ۱۳۹۰ ش. صور خیال در شعر فارسی. چ ۱۴. تهران: نشر آگه.
- صفوی، کورش. ۱۳۹۰ ش. از زبان‌شناسی تا ادبیات. ج ۱. چ ۳. تهران: انتشارات سوره مهر.

- عابدی، کامیار. ۱۳۸۰ش. بهرغم پنجره‌های بسته: شعر معاصر زنان. ج ۱. تهران: انتشارات کتاب نادر.
- عبدالقاهر جرجانی. ۱۳۷۰ش. اسرار البلاغه. ترجمة جلیل تجلیل. تهران: دانشگاه تهران.
- فتوحی، محمود. ۱۳۹۱ش. سبک‌شناسی. تهران: سخن.
- قریب، عبدالعظیم، و دیگران. ۱۳۶۶ش. دستور زبان فارسی پنج استاد. ج ۴. تهران: انتشارات اشرفی.
- گرجیان، بهمن و عباس زاده، فرنگیس. ۱۳۹۹ش. ساختار شکنی و هنجارگریزی تطبیقی نحوی، واژگانی و زمانی در شعر پروین اعتصامی، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۵۳-۳۷.
- میویک، دسی. ۱۹۸۷ق. المفارقة و صفاتها. ترجمة عبدالواحد لؤلؤة. بغداد: دارالأمون للترجمة و النشر.

Reference

- Leech, Geoffrey N. (1969). A linguistic guide to English poetry. Harlow, Longma.
- Abdul Qaher Jarjani (1370) Secrets of rhetoric. Translated by Jalil Tajil. Tehran: University of Tehran.
- Abedi, Kamyar. (1380). Despite the closed windows: Contemporary women's poetry. Ch 1. Tehran: Nader Book Publishing.
- Barani, Mohammad (1382). "Literary function of language and its types". Journal of Culture. No. 46-47, pp. 55-70.
- Fotuhi, Mahmoud (1391). Stylistics. Tehran: Sokhan.
- Georgian, Bahman and Abbaszadeh, Farangis. 1399. Syntactic, lexical and temporal comparative deconstruction and aberration in Parvin Etesami's poetry, Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, Fourteenth Year, No. 55, pp. 53-37
- Ghada Al-Samman (1384) Eternity, the moment of love, translated by Abdolhossein Farzad, Tehran: Cheshmeh.
- Ghada Al-Samman (1377) Love in Love, Second Printing, Beirut: Al-Saman Newsletter Publications.
- Ghada Al-Samman (1377) The love of the heart, the tenth edition, the publications of the sky, Beirut.
- Ghada Al-Samman (1383) Grief for Jasmines, translated by Abdolhossein Farzad, Tehran: Cheshmeh.
- Ghada Al-Samman (1387) Grief for Jasmines, translated by Abdolhossein Farzad, Tehran: Cheshmeh.
- Gharib, Abdul Azim, and others. (1366). Persian grammar of five masters. Ch 4. Tehran: Ashrafi Publications.
- Isfahani, zhaleh. (1384). Collected Poems. Ch 1. Tehran: Negah Publications.
- Leech, Geoffrey N. (1969). A linguistic guide to English poetry. Harlow, Longmans.
- Miwick, Desi. (1987). The differences and their attributes. Translated by Abdul Wahed Lulu. Baghdad: Dar al-Amun for translation and publication.
- Poor Namdarian, Taghi. (1381). Travel in May. Ch 1. Tehran: Negah.
- Rima Makarik, IRNA. (1384). Encyclopedia of Contemporary Literary Theories. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Ch 1. Tehran: Publishing.
- Safavid, Cyrus. (1390). From linguistics to literature. C 1. Ch 3. Tehran: Surah Mehr Publications.
- Shafiee Kadkani, Dr. Mohammad Reza. (1390). Imagination in Persian poetry. Ch 14. Tehran: Publishing.

Sujudi, Farzan. (1387). Applied semiotics. Tehran: Science.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: خطیری زینب، رضوی پور سید فضل‌الله، مشفق آرش، مطالعه تطبیقی هنجار‌گریزی معنایی در اشعار ژاله اصفهانی و غاده السّمان، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۴-۱.

